

قانون چک و خسارت تأخیر تأدیه چک

رضا بیرانوند^۱، اکرم نعمتی^۲

چکیده

هدف از مقاله حاضر مطالعه و بررسی چک و خسارت تأخیر تأدیه چک با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و بر مبنای مطالعه کتابخانه‌ای می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات روش اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد که از طریق فیش برداری از کتاب‌ها، مقالات، گزارش سمینار و اجلاس‌های بین‌المللی در ایران و خارج از کشور، سایت‌های مرتبط و ... می‌باشد. بنابراین، سوال اصلی مقاله پیش‌رو این می‌باشد که قواعد کلی حاکم بر تأخیر تأدیه چک در حقوق ایران چگونه است؟ در پاسخ بدین سوال باید بیان نمود که تأخیر تأدیه چک تفاوت چندانی با خسارت تأخیر تأدیه بطور کلی ندارد، بنابراین از همان قواعدی پیروی می‌کند که خسارت تأخیر تأدیه بعنوان یک امر مدنی تابع آن است. براساس یافته‌ها، ماده (۱۲) قانون صدور چک، به صادر کننده چک این اجازه را می‌دهد که در اثنای دادرسی کیفری و حتی پس از صدور حکم قطعی، اصل وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه آن را پرداخت کرده و یا با فراهم کردن موجبات پرداخت آنها، حسب مورد سبب موقوف شدن دادرسی یا موقوف شدن اجرای حکم شود. ظاهر ماده قانونی مذکور این تصویر را ایجاد می‌کند که برای موقوف شدن دادرسی کیفری یا موقوف شدن اجرای حکم قطعی، پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به همراه اصل وجه چک ضروری است، اعم از اینکه دارنده چک با رعایت مقررات آئین دادرسی مدنی خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کرده یا نکرده باشد.

واژگان کلیدی: چک، تأخیر تأدیه، خسارت، دادرسی کیفری، حکم قطعی

^۱ دکتری حقوق خصوصی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش estacademic@gmail.com

مقدمه

جرم صدور چک بلامحل یکی از جرائمی است که مسائل گوناگون دادرسی مدنی و کیفری در آن به هم آمیخته می‌شوند و بطور متقابل در یکدیگر اثر می‌گذارند. چک یکی از اسناد تجاری در ردیف اسناد تجاری دیگر همانند برات و سفته است که قانونگذار آن را از نظر کیفری مورد حمایت قرار داده و برای صادر کننده چک پرداخت نشدنی مجازات تعیین کرده است. بنابراین صدور چک و مسئولیت صادر کننده آن امری مدنی است که باید در صورت پرداخت نشدن وجه چک، در دادگاه حقوقی مطرح و مورد رسیدگی قرار گیرد (دیدایر، ۲۰۰۹: ۱۱۶). در بیشتر جوامع بشری بویژه کشورهای پیشرفته برای حل مشکلات و کاستن از آثار سوء تعویق پرداخت بدهی‌ها، قوانین و راهکارهایی تنظیم شده است که در عین تنوع، در دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند. گروه اول مربوط به بدهکارانی است که به دلایلی چون ورشکستگی و حوادث دیگر ناتوان از پرداخت بدهی هستند و گروه دوم مربوط به بدهکاران مختلفی است که با وجود تمکن از پرداخت بدهی، نقض تعهد کرده از پرداخت بدهی امتناع می‌کنند. در کشور ایران نیز برای تشخیص و حل مشکل گروه نخست، قوانین خاصی چون قانون ورشکستگی و اعسار مطرح است و برای پیشگیری از تخلف و مجازات متخلفین گروه دوم نیز قوانین خاصی با عنوان «جریمه تأخیر تأدیه» و «خسارت تأخیر تأدیه» در موارد مختلف چون قانون آئین دادرسی مدنی، قانون چک و قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها وضع شده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به دلیل حساسیت مردم و مسئولین نظام به اسلامی شدن قوانین و تشابه خیلی زیاد عناوین «جریمه تأخیر تأدیه» و «خسارت تأخیر تأدیه» با عنوان «ربا» که از محرّمات مسلم فقه اسلامی است، زمینه بحث‌های زیادی پیرامون قوانین مربوطه فراهم آمد بگونه‌ای که این قوانین تحولات و افت و خیزهای زیادی پیدا کرده است (موسویان، ۱۳۹۴: ۳۷).

اما مسأله‌ای که در پژوهش حاضر به دنبال بررسی آن هستیم، خسارت تأخیر تأدیه چک است، که پرداخت یا عدم پرداخت آن بر دعوای کیفری تأثیر می‌گذارد. مطابق ماده ۱۲ قانون صدور چک: «هرگاه قبل از صدور حکم قطعی ... متهم وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارت مذکور (از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد. اما هرگاه پس از صدور حکم قطعی محکوم علیه موجبات پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه و سایر خسارت مندرج در حکم را فراهم اجرای حکم موقوف می‌شود».

در ارتباط با اجرای ماده (۱۲) دو حالت پیش می‌آید؛ نخست اینکه شاکی خصوصی به تبع دعوای کیفری، دعوای حقوقی نیز اقامه کرده و اصل وجه چک و خسارت‌های ناشی از عدم پرداخت آن در تاریخ مقرر را، از صادر کننده مطالبه می‌کند. دوم اینکه شاکی خصوصی به تبع دعوای عمومی، دعوای خصوصی خود را در

دادگاه کیفری اقامه نمی‌کند. در حالت نخست مسأله‌ای ایجاد نمی‌شود، ولی حالت دوم سبب به وجود آمدن دو مسأله می‌شود: نخست، اگر پیش از صدور حکم قطعی متهم اصل وجه چک را پرداخت کند، آیا دادگاه کیفری می‌تواند صدور قرار موقوفی تعقیب را منوط به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه نماید؟ دوم، شکی نیست که در صورت عدم مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در دادگاه کیفری به تبع دعوی کیفری، دادگاه، صادر کننده چک را به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه محکوم نخواهد کرد. در این صورت اگر پس از صدور حکم قطعی، محکوم علیه اصل وجه چک را بپردازد، آیا مرجع مجری حکم می‌تواند موقوف کردن اجرای حکم را منوط به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه بکند؟ با رویکرد به مسائل ذکر شده هدف اصلی از پژوهش حاضر پاسخ به سوالات دوگانه فوق‌الذکر و بررسی تأخیر تأدیه چک‌های مطالبه شده توسط اجرائیه ثبت می‌باشد.

۱- مبانی مفهومی

از آنجائیکه هر موضوع تحقیقی بر زیربنای نظری بنا می‌شود محقق باید برای بررسی موضوع مورد مطالعه و درک و شناخت پدیده موردنظر، دست به گزینش و انتخاب نظریه‌های متناسب با موضوع مورد مطالعه زند تا بوسیله نظریه‌های مناسب بتواند مفهوم، تعریف، شیوه‌ها و زمینه‌های بروز نتایج و کارکردهای آن پدیده یا موضوع را در سطح جامعه دریابد (رفیع‌پور، ۱۳۹۵: ۱۲). از این‌رو بررسی مبانی نظری پژوهش، نه تنها^{۹۹} پژوهشگر را از نظر تشخیص و تعریف مفاهیم، بلکه در تشخیص و چگونگی ارتباط متغیرهایی که هم از لحاظ مفهومی و هم از لحاظ علمی مهم است یاری می‌دهد. لذا در این بخش به مهمترین مفاهیم و مبانی مرتبط با موضوع خسارت تأخیر تأدیه چک پرداخته می‌شود.

۱-۱- خسارت

مفهوم خسارت را در فرهنگ فارسی به معنای ضرر زدن، زیان‌مندی، ضرر و زیان و ... عنوان نموده‌اند (معین، ۱۳۹۲: ۲۱۹۵). در فرهنگ لغت دهخدا در معنای خسارت آمده است: خسارات، گمراهی، خساره، هالکی، خساره. زیان یافتن تاجر در تجارت و مغبون شدن او. خسارت (خ) زیان، ضرر، کم آمدن حاصل از فروش از قیمت خرید، ضرر در تجارت و زیان در معامله. در فرهنگ هاوس راندوم آمده است که خسارت شامل صدمه و جراحت خواهد شد و سبب کاهش ارزش و اعتبار و استفاده مفید (اولیه) است. در کاربرد محض حقوقی منظور از آن تخمین مقدار پول است. نویسندگان حقوق مدنی نیز با بهره‌گیری از معانی لغوی، اصطلاحی و عرفی ضرر گفته‌اند: هر جا که نقضی در اموال ایجاد شود یا منفعتی مسلم از دست برود و یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه‌ای وارد آید می‌گوید ضرری به بار آمده است. کاستن از دارایی مشخص و

پیشگیری از فرونی آن به هر عنوان که باشد اضرار به اوست (کانون‌زیان، ۱۳۹۴: ۲۱۹). جامعیت و گستردگی این تعریف هم شامل خسارت عدم‌النفع و هم شامل زیان‌های معنوی می‌شود. لفظ خسارت را قانون تعریف نمی‌کند بلکه مصادیق مختلف آن را تحت این عنوان و یا به اسامی دیگر از قبیل ضرر و زیان نام می‌برد. از قبیل خسارت دادرسی، خسارت تأخیر تأدیه، خسارات حاصل از عدم انجام تعهد، خسارات تأخیر به انجام تعهد و یا عدم تسلیم محکوم به هم‌چنین، قانونگذار تعریف دقیقی از ضرر و زیان مادی و معنوی ارائه ننموده است. لکن در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و قانون آیین دادرسی کیفری به مصادیقی از آن اشاره نموده است. واژه خسارت در حقوق مدنی به دو معنی عمده استعمال شده است: قانونگذار، گاه آن را به معنی «ضرر» استعمال نموده (صفایی، ۱۳۸۹)، که در این استعمال هیچگونه تفاوتی میان «خسارت» و «ضرر» وجود ندارد و در برخی کاربردها از لفظ زیان، صدمه و لطمه نیز استفاده شده است که دو مورد اخیر بیشتر ناظر است به صدمه و لطمه زیان‌های به جسم و جان شخص و شخصیت او (معنوی) و گاهی نیز خسارت به معنی چیزی است که برای جبران ضرر پرداخت می‌شود (امامی، ۱۳۹۵: ۵۵). قانونگذار هنگامی که از خسارات حاصله از عدم اجرای تعهدات یا جبران خسارات سخن می‌گوید، خسارت را به معنای اول بکار برده و هنگامی که از تأدیه خسارات بحث می‌کند مواد (۲۲۷) و (۲۲۹) قانون مدنی معنای دوم را اراده کرده است. هم‌چنین در ماده (۲۲۶) قانون مدنی در مورد ایفاء تعهد از طرف یکی از متعاملین، طرف دیگر می‌تواند ادعای خسارت نماید. مگر ... که در اینجا خسارت به معنی چیزی است که در مقام جبران ضرر داده می‌شود. یعنی همان غرامت یا تاوان. آنچه که مسلم است خسارات حاصله از عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد بر طبق قاعده عقلی «لاضرر» باید جبران شود (امامی، ۱۳۹۵: ۴۷). در تعریف دیگر صدق مفهوم خسارات مستلزم تجاوز به مال غیر (مستقیم یا غیرمستقیم) می‌باشد. در این صورت قصد تخلف از یکی از مقررات جاری کشور شرط تحقق خسارت است. مثل اینکه کسی قراردادی منعقد کند و در انجام تعهد خود تأخیر ورزد. این شرط از مواد (۷۲۲) و (۷۲۱) قانون آئین دادرسی مدنی سابق فهمیده می‌شود و فهم عرف هم آن را تأیید می‌کند. خسارت به این معنا، خسارت حقیقی است.

۱-۲- مفهوم تأدیه

تأدیه در لغت: به معنی گزاردن، پرداختن و پرداخت، مورد استعمال قرار می‌گیرد. در حقوق نیز به همین معنی بکار می‌رود (پرداخت دین و ایفاء تعهد). تأدیه معمولاً در خصوص دیونی بکار می‌رود که موضوع آن پرداخت مبلغی وجه نقد باشد و در خصوص غیر آن معمولاً از وفای به عهد، انجام تعهد و عباراتی نظیر آن استفاده می‌شود. واژه لاتین payment اگرچه برای تعهدات نقدی نیز بکار می‌رود ولی ظاهراً اختصاص به آن نداشته و برای تعهدات غیر پولی نیز بکار می‌رود (معین، ۱۳۹۲: ۱۲۱۵).

۱-۳-۳- چک

چک واژه‌ای است فارسی به معنای قباله، منشور و عهدنامه که معرب آن صک و جمع آن صکوک است (معین، ۱۳۹۲: ۱۲۹۹). کلمه چک در متون کهن ادب فارسی مانند دیوان خاقانی، سفرنامه ناصر خسرو، اشعار عنصری و تاریخ برامکه بکار رفته است و غالباً به معنای حواله و برات بکار رفته است. در زبان انگلیسی چک واژه شناخته شده‌ای است و به مفهوم بازرسی و بررسی است و از آنجا که بانک‌ها برای پرداخت وجه مندرج در سند، موجودی محیل را نزد خود بازرسی می‌کنند این سند چک نامیده می‌شود (عمید، ۱۳۹۳: ۴۵). به عقیده برخی از صاحب‌نظران حقوقی صرافان ایرانی اولین صادر کنندگان چک در دنیا بودند (حسینی تهرانی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). به نظر می‌رسد چک در ایران قدمت تاریخی زیادی ندارد و از مقررات قانونی فرانسه اقتباس شده است اما اینکه چرا در آن، تلفظ فرانسه بکار نرفته است علت ظاهراً این است که انگلیسی‌ها در ایران سابقه بانکداری داشته و در تهران و برخی شهرهای مهم ایران مثل اصفهان و رشت فعالیت داشتند و این سند از طریق آنها به مردم شناسانده شده و به این دلیل مردم با تلفظ انگلیسی آن آشنایی داشتند.

۱-۳-۱- تعریف چک در قانون تجارت

قانونگذار در وضع و تصویب مقررات جزایی راجع به صدور چک تنها به بیان انواع چک‌های صادره از سوی اشخاص یا بانک‌ها بسنده نموده و در قوانین مختلف مربوط به صدور چک که بعد از تصویب قانون تجارت در سال‌های ۱۳۳۱، ۱۳۳۷، ۱۳۴۴ و ۱۳۵۵ اصلاحیه قانون اخیر در سال ۱۳۷۲ وضع گردیده تعریف جامعی از چک ارائه نداده است. لذا ناگزیر هستیم که برای دستیابی به تعریف چک به قانون تجارت مراجعه و از آن بعنوان قانون مادر استفاده نمائیم. طبق ماده (۳۱۰) قانون تجارت: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادر کننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد کلاً مسترد یا به دیگری واگذار نماید. پس چک سند انتقال وجه است و در هر چک سه نفر وجود دارند. بانک، کسی که چک صادر می‌کند و کسی که وجه چک دریافت می‌کند. بنابراین می‌توان گفت: چک وسیله استرداد و انتقال وجه تودیع شده با استفاده از اعتبار مصوبه و موجود در یکی از بانک‌های قانونی است که معمولاً با استفاده از برگ‌های ویژه‌ای که بانک محال علیه قبلاً در اختیار دارندگان حساب جاری گذارده بعمل می‌آید (ساسان‌نژاد، ۱۳۹۸). برای صدور چک وجود دو نفر کفایت می‌کند: صادر کننده و محال علیه، ولی در غالب موارد سه نفر در آن شرکت دارند: صادر کننده، دارنده و محال علیه (فراهانی، ۱۳۹۱).

ضرورت ندارد محال علیه حتماً بانک باشد ولی ماده (۲) قانون صدور چک، چک‌های عهده بانک‌های مجاز داخل کشور را در حکم اسناد لازم‌الاجرا تلقی نموده است و این یکی از وجوه افتراق چک کیفری و چک بازرگانی است. در تعریف چک بازرگانی گفته شده است: «سندی است که طبق آن صادر کننده به بانک یا

هر موسسه مالی و اعتباری دستور پرداخت مبلغ معین و موجود را به خود یا دیگری می‌دهد» (صفری، ۱۳۹۷: ۴۵۸) و در خصوص چک کیفری گفته شده است چک کیفری اوراقی است که بطور رسمی از طرف بانک‌هایی که طبق قوانین دایر شده‌اند در اختیار دارندگان حساب جاری قرار داده می‌شود و برای تحقق جرم صدور چک پرداخت نشدنی لازم است از اوراق مذکور استفاده شود برای رفع نقیصه می‌توان گفت: «چک کیفری سندی است که به موجب آن صادر کننده به بانک محال علیه دستور می‌دهد وجه معینی را به وی یا دیگری پرداخت نماید».

۱-۳-۲- تعریف چک در دکترین حقوقی

چک عبارت است از برگ خاصی که یکی از بانک‌ها برای استرداد وجه یا اعتبار قابل استفاده یا واگذاری آنها به دیگری در اختیار صاحب یا صاحبان حساب واگذارده است (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۱۷۵). چک سندی است به منظور پرداخت مبلغ معین که در حساب صادر کننده موجود است و بر روی بانک کشیده می‌شود تا در وجه یا به حواله کرد (با حق انتقال به غیر دارنده یا حامل) پرداخت گردد.

۱-۳-۳- قانون صدور چک

این قانون که در ۲۳ ماده انواع چک و چگونگی صدور آنها را بیان می‌کند و مقرراتی شایسته در مورد شرایط متخلفین از این مواد را در بر ندارد، در سال ۱۳۵۵ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است سپس قانون «اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب تیر ماه ۱۳۵۵» در تاریخ ۱۳۷۲/۰۸/۱۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۷۲/۰۸/۱۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. و بعد از آن قانون «اصلاح موادی از قانون صدور چک» مصوب ۱۳۸۲/۰۶/۰۲ در متن اصلاح، الحاق و تلفیق گردیده است. حتی نام این قانون نیز نادرست است و باید نامش قانون چک می‌بود زیرا این قانون، تنها ناظر بر صدور نیست و ناظر بر موارد دیگر هم هست. امروزه بسیاری از روابط اقتصادی و مالی از طریق چک انجام می‌شود و به خاطر مشکلاتی که نقدینگی در گردش برای افراد جامعه فراهم می‌آید سعی وافر دولت‌ها بر این قرار گرفته که از چک ابزاری بسازند که جایگزین پول و نقدینگی باشد و به آن چنان اعتبار و اهمیتی بدهند که افراد اجتماع به راحتی آن را در روابط مالی خود بکار گیرند. حقیقت امر آن است که نقش اقتصادی چک بسیار سرنوشت‌ساز و خطیر می‌باشد. زیرا این تأسیس حقوقی کارکردهای خاصی را برعهده گرفته است (حق پناهیان، ۱۳۹۸: ۴۹).

۱-۳-۴- ویژگی‌های چک

الف) شرایط صوری چک

باتوجه به شرایط قانونی چک باید دارای خصوصیات زیر باشد:

- کلمه چک در متن هر برگ نوشته شده باشد؛
- تاریخ تنظیم یا صدور چک با حروف نوشته شده باشد؛
- نام بانک محال علیه یا شعبه در بالای چک قید گردد؛
- برای کنترل چک‌ها و شمارش تعداد برگ آنها به هنگام تحویل هر برگ چک شامل شماره ردیفی خواهد بود که در بالای چک با مرکب قرمز چاپ و شماره ردیف سری هم ذکر شده باشد؛
- مبلغ چک باید در هر دو محل با ذکر واحد پول (ریال یا تومان) قید شود؛
- پس از کلمات در وجه یا حواله کرد نام گیرنده وجه نوشته شود؛
- در روی هر برگ چک نام صاحب حساب از طرف بانک ثبت شده باشد؛
- در قسمت پایین چک شماره حساب جاری مشتری که برای یافتن کارت صاحب حساب و نمونه امضا لازم است قید شود؛
- امضای صادرکننده چک مشخص باشد.

ب) شرایط ماهوی چک

برای صدور چک رعایت شرایط ماهوی و شکلی را لازم شمرده‌اند. از شرایط ماهوی آن، اهلیت صادر کننده است؛ یعنی، بالغ و عاقل و رشید بودن، رضایت داشتن بر این عمل حقوقی و مجبور یا مکره نبودن. از دیگر شرایط ماهوی، مشروعیت جهت و موجود بودن موضوع تعهد است (عرفانی، ۱۳۹۲: ۱۰۸-۱۰۵). ماده اول قانون صدور چک، تنها بانک را بعنوان محال علیه پذیرفته است؛ از این رو، به نظر برخی حقوقدانان مفاد این قانون، بویژه مقررات جزایی آن، شامل چک‌هایی که محال علیه آن‌ها بانک‌ها نباشند، نخواهد بود (اسکینی، ۱۳۹۷: ۱۹۳). با وجود این، برخی دسته چک‌های موسسات اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه را نیز چک به معنای حقوقی و مضمون ماده (۳۱۰) قانون تجارت دانسته‌اند (صفری، ۱۳۹۷: ۴۵۵).

ج) شرایط شکلی چک

از مهمترین شرایط شکلی صدور چک اینهاست: نوشتن کلمه چک بر روی برگه چک، تعهد بدون قید و شرط برای پرداخت مبلغ معین، درج نام کسی که مبلغ چک را می‌پردازد (محال علیه)، محل پرداخت چک، محل و تاریخ صدور چک، گیرنده چک، امضای صادر کننده چک و نام او درج برخی مندرجات در ورقه چک الزامی

نیست (ولیدی، ۱۳۹۱: ۲۴۱)، مانند ذکر علت صدور چک، قید ضمانت، تعیین نام کسی که چک در وجه او صادر می‌شود، قید بدون حواله کرد و قید عدم ظهرنویسی.

د) شرایط صحت چک

مطابق با ماده (۳۱۱) قانون تجارت: در هر چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضاء صادر کننده برسد پرداخت وجه چک نباید وعده داشته باشد. اکنون می‌توان شرایط صحت چک را به شکل زیر خلاصه نمود: - محل صدور، - تاریخ صدور، - امضا صادر کننده، - مبلغ چک.

محل صدور: امکان دارد محل صدور چک با محل پرداخت وجه آن با یکی باشد یا متفاوت. در ماده (۳۱۵) این چنین گفته شده است: اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد. دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود.

تاریخ صدور: در چک باید تاریخ صدور نوشته شود زیرا در ماده (۳) قانون صدور چک گفته شده صادر کننده باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک داشته باشد.

امضا صادر کننده: در قانون تجارت تصریح به امضا صادر کننده چک شده و این امضا باید برابر با همان امضایی باشد که در کارت حساب جاری داشته است. در استفاده از مهر به جای امضا می‌توان گفت که چون در قانون آمده که به امضاء صادر کننده برسد می‌توان بکار بردن مهر را مکمل امضا با یکی از علائم قراردادی بین بانک و دارنده حساب دانست (آراء هیات عمومی دیوان عالی کشور از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲).

مبلغ چک: در ماده (۳۱۱) قانون تجارت اشاره‌ای به قید مبلغ در چک نگردیده جزء آنکه پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد. باتوجه به ماده (۳۱۰) که استرداد یا انتقال تمام یا قسمتی از پول نزد محال علیه است و همچنین به اعتبار مواد قانونی مربوط به برات و سفته قید مبلغ به تمام حروف در چک الزامی است.

۱-۳-۵- آثار حقوقی چک

الف) چک سند لازم‌الاجرا است

برطبق ماده (۲) قانون صدور چک دارنده چک در صورت مراجعه با بانک می‌تواند طبق قوانین مربوط به اجرای اسناد وجه چک یا باقیمانده آن را از صادر کننده وصول نماید. ماده (۹۲) قانون ثبت: مدلول کلیه اسناد رسمی راجع به دیون و سایر اموال منقول بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه لازم‌الاجرا است. برای صدور اجرائیه دارنده چک باید عین چک و گواهینامه مذکور در ماده ۴، چک را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید.

ب) تعقیب کیفری صادر کننده چک بی محل

در قوانین جزایی ایران ماده (۲۳۸) قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ بعنوان الگوی کلاهبرداری بوسیله چک مورد استفاده دادگاه قرار می‌گرفت. در سال ۱۳۳۷ قانون چک بی محل و در تیر ماه ۱۳۵۵ قانونی که رسماً پاسخ قوانین قبلی بود به همان نام تصویب و صادر کنندگان چک بی محل را تحت پیگرد کیفری قرار داد. هدف از تدوین قوانین متعدد جلب اطمینان افراد نسبت به عملکرد بانک‌ها و کوشش در گسترش چک بین توده‌های مردم در بازار دادوستد است. در این قانون تخلف از ماده (۳) رأی حبس تعزیری از ۶ ماه تا دو سال برحسب مورد جزای نقدی معادل یک چهارم وجه چک پیش‌بینی نموده است.

ج) شرط حذف مجازات کیفری صادر کننده چک بی محل

در قانون صدور چک صادر کننده چک بی محل مورد تعقیب کیفری قرار می‌گیرد، مگر در مواردی که حذف کیفری به شرح زیر پیش‌بینی شده است:

- در صورتی که چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا شکایت نکند دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

- کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت (اسکینی، ۱۳۹۰: ۹۶).

۱۰۵

- هرگاه بعد از شکایت کیفری، شاکی چک را به دیگری انتقال دهد و یا حقوق خود نسبت به چک واگذار نماید تعقیب کیفری موقوف خواهد شد.

د) صدور چک وعده‌دار یا سفید امضاء

صدور چک بعنوان تضمین اعتبار وعده‌دار ممنوع است صادر کننده در صورت شکایت ذینفع و عدم پرداخت به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از یکصد هزار تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد. مدت ارائه چک به بانک محال علیه و مسئولیت ظهرونیسان باتوجه به اینکه در قانون صدور چک محدودیتی برای مدت ارائه چک پیش‌بینی نگردیده و مواد (۳۱۸) و (۳۱۹) قانون تجارت مرور زمان نسبت به دعاوی چک را عنوان نموده که ارتباطی به عمل بانک ندارد (ساسان‌نژاد، ۱۳۹۸: ۹).

۲- تأخیر تأدیه در قوانین ایران

علاوه بر قوانین ورشکستگی و اعسار که در قانون مدنی و آئین دادرسی مدنی ایران جایگاه خاص دارد و در مورد بدهکارانی است که ناتوان از پرداخت بدهی هستند، نسبت به کسانی که بدهی خود را به موقع نمی‌پردازند نیز قوانین دیگری با عنوان «جریمه تأخیر تأدیه» و «خسارت تأخیر تأدیه» در قوانین مربوط به

بانک‌ها و قانون چک و آئین دادرسی وجود دارد. مطالعه تاریخی این قوانین نشان می‌دهد که به تناسب شرایط اجتماعی بویژه بعد از انقلاب اسلامی، تغییرات و تحولات زیادی داشته‌اند. که در این بخش علاوه بر بررسی تاریخچه خسارت تأخیر تأدیه در ایران و دیدگاه‌ها و قوانین موجود در این حوزه ارائه می‌گردد.

۱-۲- تأخیر تأدیه در قوانین ایران قبل از انقلاب اسلامی

مواد (۲۲۱)، (۲۲۸) و (۲۳۰) قانون مدنی مصوب ۱۳۲۷/۰۲/۱۸ ناظر به تخلف متعاملین از جمله تعویق پرداخت دیون است؛ در ماده (۲۲۱) آمده است: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد».

ماده (۲۲۸) نیز چنین مقرر می‌کند: «در صورتی که موضوع تعهد تأدیه وجه نقدی باشد حاکم می‌تواند با رعایت ماده (۲۲۱) مدیون را به جبران خسارت حاصله از تأخیر در تأدیه دین محکوم نماید. در ماده (۲۳۰) نیز آمده است: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی بعنوان خسارت، تأدیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند».

مواد (۷۰۹ تا ۷۲۶) قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ جزئیات نقض تعهد بویژه خسارت ناشی از تأخیر را روشن‌تر بیان می‌کند؛ برخی از این مواد عبارتند از: ماده (۷۱۹): «در دعوی که موضوع آن وجه نقد است اعم از اینکه راجع به معاملات با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی یا غیرمعاملات استقراضی، خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی دوازده محکوم‌به، در سال است و اگر علاوه بر این مبلغ قراردادی بعنوان وجه التزام یا مال الصلح یا مال الاجاره و هر عنوان دیگری شده باشد در هیچ مورد بیش از صدی دوازده در سال نسبت به مدت تأخیر شده داده نخواهد شد لیکن اگر مقدار خسارت کمتر از صدی دوازده معین شده باشد به همان مبلغ که قرارداد شده است حکم داده می‌شود. ماده (۷۲۰): «خسارت تأخیر تأدیه محتاج به اثبات نیست و صرف تأخیر در پرداخت برای مطالبه و حکم کافی است».

علاوه بر قانون مدنی و آئین دادرسی، قانون ثبت اسناد و املاک، مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ طی مواد (۳۴) تا (۳۶) و تبصره‌های آن، موضوع تأخیر تأدیه، خسارت دیرکرد و وجه التزام را مطرح می‌کند؛ در ماده (۳۶) قانون ثبت آمده است: «خسارت تأخیر تأدیه در صورتی که در محاکم عدلیه مورد مطالبه واقع شود مشمول مواد (۴۲) و (۴۴) قانون تسریع محاکمات خواهد بود و در صورتی که بوسیله اداره ثبت مأخوذ شود از قرار صدی دوازده در سال بوده و تمام آن به طلبکار داده می‌شود».

۲-۲- تأخیر تأدیه در قوانین ایران بعد از انقلاب

بعد از وقوع انقلاب اسلامی و توجه مردم و مسئولین به اجرای قوانین اسلام و ابطال قوانین مخالف با موازین فقهی، چند اقدام در موضوع تأخیر تأدیه صورت گرفت که مهمترین آنها از این قرار است:

۲-۲-۱- الغای قوانین و آئین‌نامه‌های مربوط به خسارت تأخیر تأدیه قبل از انقلاب

با پیروزی انقلاب، از مراجع تقلید بویژه امام خمینی استفتائاتی شده است که منشأ تغییرات قوانین گردیده است. در یکی از این استفتائات که از طرف انجمن اسلامی کارکنان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از امام شده، آمده است: «احتراماً به عرض می‌رساند، چون اعضای انجمن اسلامی کارکنان سازمان ثبت اسناد در وقتی که با اجرای مفاد مادتين (۳۶) و (۳۷) آئین‌نامه اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا که فتوکپی آن به پیوست می‌باشد به جهت منطبق نبودن با روح قانون اساسی و احکام مقدسه اسلام تکلیف شرعی خود را پرسش و اظهار می‌دارند که طلبکاران تقاضای خسارت تأخیر تأدیه (صدی دوازده در سال) از بدهکاران خود می‌نمایند و ما نمی‌توانیم از اجرای مفاد فوق عدول نمائیم، تکلیف شرعی ما چیست؟ تقاضا داریم در این مورد انجمن اسلامی را ارشاد فرمایند». امام در جواب فرمودند: «بسمه تعالی، مبلغی که بابت تأخیر تأدیه گرفته می‌شود ربا و حرام است»؛ به تدریج مسئله از استفتائات فردی فراتر رفت و به شورای نگهبان که مرجع تصمیم‌گیری در مورد قوانین قبل از انقلاب بود رسید و این شورا طی نامه‌های متعددی قوانین مربوط به گرفتن خسارت تأخیر تأدیه را غیرشرعی اعلام نمود.

۲-۲-۲- موافقت شورای نگهبان با دریافت جریمه تأخیر تأدیه توسط بانکها

حذف خسارت تأخیر تأدیه مشکلات متعددی برای طلبکاران بویژه بانکها در پی داشت. افراد زیادی که وام‌های کلانی از بانکها گرفته بودند، انگیزه‌ای برای پرداخت به موقع بدهی نداشتند و این اختلال زیادی در برنامه بانکها بوجود می‌آورد، بر این اساس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با احساس خطر به فکر مذاکره با شورای نگهبان افتاد و در این راستا نامه‌هایی بین بانک مرکزی و شورای نگهبان مبادله شد. آخرین نامه‌ای که منتهی به تنظیم ماده خاصی در قراردادهای بانکی گردید گویای مطالب زیادی است که به شرح زیر می‌باشد.

۲-۲-۳- شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

همانطور که استحضار دارند، نظر آن شورای محترم درخصوص اخذ جریمه ناشی از تأخیر تأدیه مطالبات بانکها از مشتریان خود طی نامه شماره ۳۳۶/هـ مورخ ۱۳۶۱/۰۲/۰۶ استفسار گردید. پاسخ نامه مذکور طی نامه شماره ۵۶۲ مورخ ۱۳۶۱/۰۴/۰۸ که حاوی نظرات اصلاحی شورا بود به بانک مرکزی ایران ابلاغ شد،

لکن نظر به اینکه اجرای نظرات اصلاحی آن شورا بانکها را عملاً مواجه با مشکلاتی می‌نمود مراتب با حضور حضرت آیت‌الله غلامرضا رضوانی عضو فقهای شورای نگهبان قانون اساسی در چهارصد و هفتاد و نهمین جلسه شورای پول و اعتبار مطرح گردید و قرار شد تغییرات لازم در این مورد به عمل آید. اکنون عین مفاد ماده‌ای که در قراردادهای سیستم بانکی با مشتریان خود تحت عنوان «خسارت تأخیر تأدیه» گنجانده می‌شود جهت اظهارنظر تقدیم می‌گردد. خواهشمند است نظر آن شورا را در مورد متن ذیل اعلام و مراتب را ابلاغ فرمایند. در صورت عدم تسویه کامل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر، به علت تأخیر در تأدیه بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل بدهی، مبلغی به ذمه امضا کننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت، از این رو وام و یا اعتبار گیرنده با امضای این قرارداد، ملزم و متعهد می‌شود تا زمان تسویه کامل بدهی ناشی از این قرارداد، علاوه بر بدهی تأدیه نشده مبلغی معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای هر سال نسبت به بدهی مذکور برحسب قرارداد، به بانک پرداخت نماید. به همین منظور وام و یا اعتبار گیرنده، ضمن امضای این قرارداد، بطور غیرقابل برگشت به بانک اختیار داد که از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل بدهی، معادل مبلغ مورد قرارداد از حساب‌های وام و یا اعتبار گیرنده برداشت و یا به همان میزان از سایر دارایی‌های آن تملک نماید.

۱۰۸
 اخذ مبلغ مقرر موضوع این ماده مانع تعقیب عملیات اجرایی برای وصول مطالبات بانک نخواهد شد. بعد از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در شهریور ۱۳۶۲، نظام بانکی با استناد به موافقت شورای نگهبان، متناسب با انواع قراردادهای بانکی ماده‌ای را بصورت شرط ضمن عقد، در متن قراردادهای بانکی گنجانده که در نتیجه آن مشتری به مقتضای شرط ضمن عقد متعهد می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت بدهی، مبلغ معادل ۱۲ درصد اصل بدهی بعنوان جریمه تأخیر به بانک بپردازد.

۲-۲-۴- موافقت مجمع تشخیص مصلحت با توسعه دریافت جریمه تأخیر تأدیه توسط بانکها

با موافقت شورای نگهبان برای گنجاندن ماده‌ای ضمن قرارداد برای دریافت خسارت تأخیر تأدیه، مشکل قراردادهایی که از آن پس در نظام بانکی منعقد می‌شد، رفع گردید، اما قراردادهایی که قبل از آن منعقد شده بود همچنان باقی بود. برخی از بانکها با استناد به موافقت شورای نگهبان، از مشتریان این قراردادها نیز مطالبه خسارت تأخیر تأدیه می‌کردند و این خلاف مصوبه شورا بود. براساس این، شورای نگهبان طی نامه‌ای مخالفت خود را ابراز کرد؛ به دنبال این نامه، بانکها از گرفتن خسارت نسبت به قراردادهای سابق منع شدند اما مشکل همچنان باقی بود. بسیاری از افراد وام‌های کلانی از نظام بانکی دریافت کرده بودند و با وضعیت پیش آمده حاضر به بازپرداخت نبودند، حتی گروهی از آنها که خسارت تأخیر، پرداخت کرده بودند علیه بانکها شکایت کرده و در برخی موارد محاکم علیه بانکها حکم داده بودند.

استمرار این وضعیت برای بانک‌ها مشکل بود و به نظر راه‌حل فقهی نداشت، به این جهت حل مشکل به مجمع تشخیص مصلحت واگذار شد و این مجمع در پنجم دی‌ماه ۱۳۶۸ مصوبه‌ای را با عنوان «قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها به تصویب رساند. متن مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام با عنوان «قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها» از این قرار است:

ماده (۱): کلیه وجوه و تسهیلات مالی که بانک‌ها تا تاریخ اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۰۶/۰۸ مجلس شورای اسلامی به اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان پرداخت نموده‌اند اعم از آنکه قراردادی در این خصوص تنظیم شده یا نشده باشد و مقرر بوده است که بدهکار در سررسید معینه تسهیلات مالی و وجوه دریافتی را اعم از اصل و سود و سایر متفرعات مسترد دارد براساس مقررات و شرایط زمان اعطای این وجوه و تسهیلات قابل مطالبه و وصول است. کلیه محاکم دادگستری و مراجع قضایی و دوائر اجرای ثبت مکلف‌اند طبق مقررات و شرایط زمان اعطای وجوه و تسهیلات، رسیدگی و نسبت به صدور حکم و وصول مطالبات بانک‌ها اعم از اصل و هزینه‌ها و خسارات و متفرعات متعلقه (خسارت تأخیر تأدیه، جریمه عدم انجام تعهد و غیره) اقدام نمایند.

ماده (۲): درخصوص دعاوی که قبلاً راجع به مطالبات بانک‌ها نزد مراجع قضایی مطرح و منجر به صدور حکم شده است و هزینه‌ها و متفرعات و جریمه تأخیر تأدیه و جزای تخلف از شرط متعلقه که وصول آن به نفع ۱۰۹ بانک مورد لحوق حکم واقع نشده است، بانک‌ها می‌توانند تقاضای تصحیح حکم را از مرجع صادر کننده حکم بنمایند و مرجع صادر کننده حکم مکلف است وفق مقررات این قانون رسیدگی و احکام صادره را تصحیح نماید. مقررات این قانون در مورد دعاوی که در حال حاضر در محاکم مطرح و در حال رسیدگی است نیز اعمال می‌گردد.

۲-۵- جواز دریافت خسارت تأخیر تأدیه برای دارندگان چک

همانطور که بیان شد، مشکل تأخیر تأدیه و خسارت‌های ناشی از آن اختصاص به بانک ندارد و مردم عادی، بنگاه‌های اقتصادی، موسسه‌های مالی خصوصی و دولتی نیز گاهی مطالباتی دارند که پرداخت آنها به تعویق می‌افتد و خسارت‌هایی هرچند به معنای عدم نفع به آنان وارد می‌شود. برای حل مشکل دریافت خسارت تأخیر تأدیه قبل از انقلاب علاوه بر قوانین عادی که گذشت ماده (۱۱) قانون چک مصوب سال ۱۳۵۵، طلبکار را مجاز به دریافت خسارت تأخیر تأدیه در حد ۱۲ درصد می‌کرد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۱۲). مفاد این ماده بصورت ماده (۱۲) قانون اصلاح صدور چک در سال ۱۳۷۲ به تصویب مجلس و شورای نگهبان رسید. در این ماده آمده بود: هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت نماید و یا اینکه متهم وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، موجبات پرداخت وجه چک و خسارت مذکور (از قرار صدی

دوازده در سال از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد.

پیرو تصویب قانون چک و گنجانیدن عین ماده (۱۱) قانون سابق مصوب ۱۳۵۵ در قانون جدید، شبهه‌ای برای قضات بوجود آمده و به دنبال آن نامه‌ای از سوی قائم مقام دادگستری استان تهران به شورای نگهبان ارسال و از ماده مذکور استفسار شد. دبیر شورای نگهبان (احمد جنتی) با این نامه عملاً ماده (۱۲) قانون چک مصوب ۱۳۷۲ را نسخ کرد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۱۴). با این کار دوباره مشکل تأخیر بدهی‌ها زنده شد، بویژه اینکه در آن سال‌ها اقتصاد ایران با نرخ تورم بالایی روبرو بود و طلبکار افزون بر خسارت عدم انتفاع از طلب خود، هر سال بخشی از دارایی خود را به خاطر تورم از دست می‌داد و ادامه این وضعیت به نفع افراد متخلف بود. براساس این، مجمع تشخیص مصلحت نظام برای جبران خسارت و تأمین هزینه‌ها، در تاریخ ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ تبصره‌ای به ماده (۲) قانون چک ملحق نمود؛ متن تبصره چنین است: «دارنده چک می‌تواند محکومیت صادر کننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارت و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً بطور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید، در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند باید درخواست خود را به همان دادگاه صادر کننده حکم تقدیم نماید».

ابهام این تبصره نسبت به برخی خسارت‌ها بویژه خسارت تأخیر تأدیه موجب شد محاکم از مجمع تشخیص مصلحت نظام استفسار نمایند و این مجمع در تاریخ ۱۳۷۷/۰۹/۲۱ با تصویب ماده واحده‌ای به تفسیر آن تبصره پرداخت؛ متن ماده واحده مذکور چنین است:

ماده واحده: منظور از عبارت «کلیه خسارت و هزینه‌های وارد شده ...» مذکور در تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آنکه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه‌های دادرسی و حق الوکاله براساس تعرفه‌های قانونی است. تفسیر فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز شنبه بیست‌ویکم آذرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است.

در تاریخ ۱۳۸۲/۰۶/۰۲ بار دیگر قانون چک اصلاح شد و موادی از آن تغییر یافت. ماده (۴) قانون جدید ناظر به مسئله خسارت تأخیر تأدیه است که به دنبال جمع بین نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون چک سابق است. متن ماده (۴) به این قرار است؛ (روزنامه رسمی، صفحه ۲، مورخ ۱۳۸۲/۰۷/۰۹): عبارت «از قرار صدی دوازده در سال» از ماده (۱۱) قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۰۴/۱۶ حذف و مفاد زیر بعنوان تبصره به آن اضافه می‌گردد: تبصره - میزان خسارت و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاقی یک تبصره به ماده

(۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک - مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام - خواهد بود. شایان ذکر است بعد از الحاق تبصره به ماده (۲) و تفسیر آن توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۷۶/۰۳/۱۰، این تبصره لازم‌الاجرا گردید و در محاکم به جریان گذاشته شد.

۲-۶- جواز دریافت خسارت تأخیر تأدیه برای همه طلبکاران

قدم بعدی برای تکمیل موضوع دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ برداشته شد. در ماده (۵۲۲) این قانون در حقیقت مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام برای دارندگان چک، تعمیم داده شد و شامل کلیه طلبکاران گردید. ضمن اینکه آن مصوبه در ضمن قانون آیین دادرسی به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید و بصورت قانون رسمی درآمد. متن ماده مذکور چنین است:

ماده (۵۲۲) - در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر اینکه طرفین بنحو دیگری مصالحه نمایند. این قانون از جهات مختلف نسبت به قوانین دیگر عمومیت داشته و قراردادهای غیربانکی، قراردادهای بانکی قبل از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و بعد از آن، طلبکاران دارنده چک و غیر آنان، همه را شامل می‌شود. هرچند از نظر محتوا دارای نکاتی است که از جزمیت و عملیاتی بودن قانون می‌کاهد و موضوعاتی چون «مطالبه داین»، «تمکن مدیون» و «تغییر فاحش» نیاز به اثبات داشته و چه بسا خود منشأ اختلاف و نزاع می‌گردند.

۲-۷- جواز دریافت خسارت تأخیر تأدیه از خارجیان

رئیس دولت وقت در سال ۱۳۶۵ طی نامه‌ای حکم شرعی دریافت بهره و خسارت تأخیر تأدیه از کمیساریای انرژی اتمی فرانسه را از شورای نگهبان استعلام کرد و این شورا طی نامه شماره ۵۹۳۸ مورخ ۱۳۶۵/۰۲/۰۹ چنین پاسخ داد: مطالبه بهره و خسارت دیرکرد بر مبنای موافقت‌نامه مورخ بهمن ۱۳۵۳ برابر با ۲۳ فوریه ۱۹۷۵ با کمیساریای انرژی اتمی فرانسه و با ضمانت دولت فرانسه با موازین شرعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مغایرت ندارد.

در سال ۱۳۶۶ نامه کلی‌تری به شورای نگهبان ارائه شد و این شورا طی نامه ۹۳۴۸ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۴ چنین جواب داد: دریافت بهره و خسارت تأخیر تأدیه از دولت‌ها و موسسات و شرکت‌ها و اشخاص خارجی

که برحسب مبانی عقیدتی خود دریافت آن را ممنوع نمی‌دانند شرعاً مجاز است، لذا مطالبه وصول اینگونه وجوه مغایر با قانون اساسی نیست و اصول چهل و سوم و چهل و نهم قانون اساسی شامل این مورد نمی‌باشد.

۳- خسارت تأخیر تأدیه چک

در یک نگاه کلی، خسارت تأخیر تأدیه در چک تفاوت چندانی با خسارت تأخیر تأدیه بطور کلی ندارد، بنابراین از همان اصولی پیروی می‌کند که خسارت تأخیر تأدیه بعنوان یک امر مدنی تابع آن است. قابلیت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، ضرورت مطالبه آن و ضرورت رسیدگی ترافعی در دادگاه را می‌توان سه قاعده حاکم بر خسارت تأخیر تأدیه دانست که در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳-۱- قابلیت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه

در حال حاضر در حقوق ایران، خسارت تأخیر تأدیه بطور کلی قابل مطالبه است. البته خسارت تأخیر تأدیه نیز همانند بسیاری از موضوعات حقوقی دیگر تاریخچه جالبی در کشور ما داشته است. براساس ماده (۷۱۹) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ خسارت تأخیر تأدیه در کلیه دعاوی که موضوع آن وجه نقد بود، قابل مطالبه بود و میزان آن از ۱۲ درصد در سال تجاوز نمی‌کرد. حکم ماده قانونی مذکور تا سال ۱۳۶۲ اجرا می‌شد، ولی در آن سال دریافت خسارت تأخیر تأدیه از سوی شورای نگهبان خلاف موازین شرعی تشخیص داده شد. به‌رغم اینکه دریافت خسارت تأخیر تأدیه خلاف موازین شرعی اعلام شده بود، به مرور زمان دریافت خسارت تأخیر تأدیه پذیرفته شد. در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۰۶/۰۸ و قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها مصوب ۱۳۶۸/۰۱/۰۵ به بانک‌ها اجازه دریافت خسارت تأخیر تأدیه داده شد (شهیدی، ۱۳۹۲: ۷۱). نهایتاً با تصویب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در کلیه دیونی که موضوع آن وجه نقد باشد پذیرفته شد که میزان آن براساس میزان تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی تعیین می‌شود.

با وجود حکم عام مندرج در ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۱۸)، قانونگذار در ماده (۱۱) قانون صدور چک سال ۱۳۵۵ به حق دارنده چک برای دریافت خسارت تأخیر تأدیه تصریح کرده بود و حتی پس از اینکه دریافت خسارت تأخیر تأدیه از سوی فقهای شورای نگهبان خلاف شرع اعلام شده بود، استنباط برخی از دادگاه‌ها این بود که چون در نظریه شورای نگهبان فقط به مواد (۷۱۲) و (۷۱۹) قانون آیین دادرسی مدنی اشاره شده و تعرضی به ماده (۱۱) قانون صدور چک نشده است، دارنده چک می‌تواند از صادر کننده خسارت تأخیر تأدیه چک را مطالبه کند، اما با استعلامی که از شورای نگهبان در خصوص موضوع صورت گرفت، مرجع مذکور نظر خود در خصوص مخالفت دریافت خسارت تأخیر تأدیه با موازین شرعی را به چک

نیز تسری داد. نهایتاً با الحاق تبصره‌ای به ماده (۲) قانون صدور چک از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ به دارنده چک اجازه دریافت خسارت تأخیر تأدیه داده شد (منصور، ۱۳۹۸). تبصره مذکور تصریح می‌کند: «دارنده چک می‌تواند محکومیت صادر کننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و بطور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد از دادگاه تقاضا نماید...».

بر همین مبنا در ماده (۱۲) قانون صدور چک، موقوف شدن تعقیب متهم یا موقوف شدن اجرای حکم کیفری صادر شده علیه صادر کننده، منوط به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه شده است.

۳-۲- ضرورت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه

خسارت تأخیر تأدیه ذاتاً امری مدنی است. طلبکاری که بخواهد خسارت تأخیر تأدیه متعلق به طلب را از بدهکار مطالبه کند، لازم است در مراجع حقوقی طرح دعوا کرده و خسارت تأخیر تأدیه را همراه با اصل طلب یا بطور مستقل مطالبه نماید. خسارت تأخیر تأدیه چک نیز هر چند زیان ناشی از جرم صدور چک بلامحل است، ولی به این سبب ماهیت آن تغییر نمی‌کند (قربانی، ۱۳۹۲: ۵۶۹). بنابراین، خسارت تأخیر تأدیه چک نیز همانند اصل وجه چک باید از سوی دارنده مطالبه شود، منتهی دارنده چک این اختیار را دارد که دعوای خود را به تبع دعوای کیفری در دادگاه کیفری مطرح کند یا اینکه در دادگاه حقوقی دعوایی مستقل اقامه کند. اگر دارنده چک بخواهد، دعوای مطالبه وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را به تبع دعوای کیفری در دادگاه کیفری اقامه کند، باید تمامی تشریفات مربوط به اقامه دعوا در دادگاه حقوقی، از قبیل تقدیم دادخواست و ابطال تمبر هزینه دادرسی را رعایت کند (ماده (۱۱) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸).

ماهیت مدنی خسارت تأخیر تأدیه، آن را مشمول قاعده‌ای می‌کند که در ماده (۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی آمده است: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند». حکم مقرر در این ماده در واقع قاعده بنیادینی است که حاکم بر تمامی دعوای حقوقی است مگر آنچه را که قانون استثناء کرده باشد. این قاعده را می‌توان «ضرورت مطالبه حق از سوی ذینفع در امور حقوقی» نامید که در واقع یکی از ممیزات دعوای عمومی از دعوای خصوصی است؛ در حالی که جریان افتادن دعوای عمومی، جزء در موارد خاص نیاز به مطالبه ذینفع ندارد، دعوای خصوصی بدون مطالبه ذینفع نمی‌تواند به راه بیفتد (آخوندی، ۱۳۹۶). دادگاه کیفری که به تبع دعوای عمومی به دعوای خصوصی رسیدگی می‌کند، باید این قاعده را بطور کامل رعایت کند؛ چون دادگاه مذکور نیز در رسیدگی به

دعوی خصوصی به جانشینی از دادگاه حقوقی عمل می‌کند. ضرورت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه متعلق به چک ایجاب می‌کند دارنده چک برای دریافت خسارت تأخیر تأدیه مکلف به اقامه دعوا باشد. اقامه دعوا اصولاً با تقدیم دادخواست به مرجع صالح صورت می‌گیرد. الزامی بودن مطالبه خسارت تأخیر تأدیه با تقدیم دادخواست آثار مهمی را در پی دارد؛ اولاً، بدون مطالبه ذینفع دادگاه کیفری نمی‌تواند صادر کننده چک را به پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه محکوم کند. در جرایمی مانند سرقت و کلاهبرداری قانونگذار دادگاه کیفری را مکلف کرده است تا ضمن رأی خود، متهم را به رد مال موضوع سرقت یا کلاهبرداری نیز محکوم کند. در اینگونه جرایم برای مطالبه مال موضوع سرقت یا کلاهبرداری ضرورتی ندارد که مال‌باخته دعوی حقوقی اقامه کند، اما جرم صدور چک بلامحل از اینگونه جرایم نیست؛ ثانیاً، در صورتی که محکومیت صادر کننده چک به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه در حکم دادگاه کیفری نیامده باشد، اعمال ماده (۶۹۶) قانون مجازات اسلامی نسبت به محکوم علیه، یعنی در زندان نگهداشتن او پس از پایان محکومیت کیفری تا زمان پرداخت مقدور نخواهد بود (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

۳-۳- ضرورت رسیدگی ترافعی

تعلق خسارت تأخیر تأدیه به چک یا هر طلب دیگر، اختلافی بین دارنده چک و صادر کننده آن است؛ لذا رسیدگی دادگاه جهت حل و فصل این اختلاف ضرورت دارد. بنابراین، دادگاه باید همانند سایر دعاوی مدنی، ادعای دارنده چک مبنی بر استحقاق دریافت خسارت تأخیر تأدیه و میزان آن را، براساس ادله ارائه شده بررسی کند. مفاد مقررات قانونی مانند ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، مقرر می‌کنند که خسارت تأخیر تأدیه بطور مطلق قابل مطالبه نیست و باید شاخص سالانه قیمت‌ها براساس اعلام بانک مرکزی تغییر کند تا خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم قابل مطالبه باشد. بنابراین خواهان دعوا ابتدا باید تغییر شاخص سالانه قیمت کالاها را اثبات کند که البته اثبات این امر دشوار نیست؛ چون بانک مرکزی تغییر شاخص‌های سالانه را بطور رسمی اعلام می‌کند و کافی است که خواهان به آن اعلام رسمی استناد کند. همچنین دادگاه باید تاریخی را که از آن به بعد خسارت تأخیر تأدیه به چک تعلق می‌گیرد، مشخص کند. در حالیکه طبق قانون استفساریه فوق‌الذکر خسارت تأخیر تأدیه باید از تاریخ چک تا زمان وصول آن محاسبه شود، ماده (۱۲) قانون صدور چک، آغاز محاسبه خسارت تأخیر تأدیه را از تاریخ ارائه چک به بانک می‌داند. مقررات ماده (۱۲) با مقررات ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مطابقت بیشتری دارد، چون براساس ماده (۵۲۲)، زمان شروع تعلق خسارت تأخیر تأدیه، تاریخ مطالبه طلبکار است. ظاهراً در ماده (۱۲) قانون صدور چک، قانون‌گذار ارائه چک به بانک

را معادل مطالبه دانسته است. محاسبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه در مورد چک و دیگر دیونی که سررسید مشخص دارند، از این جهت قابل انتقاد است که در اینگونه دیون، بدهکار باید در سررسید، دین خود را پرداخت کند و الزاماً نیازی به مطالبه طلبکار نیست (شمس، ۱۳۹۱: ۱۳۱).

در هر حال اختلاف موجود در مقررات قانونی باید از سوی دادگاه رسیدگی کننده تفسیر شده و تاریخ شروع تعلق خسارت تأخیر تأدیه از سوی دادگاه در حکم صادر شده تعیین شود. واضح است رسیدگی قضایی برای تعیین میزان خسارت تأخیر تأدیه ضرورت دارد. رسیدگی به ادعای خواهان مبنی بر مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، مستلزم این است که دادگاه به خواننده دعوا (صادر کننده چک) فرصت دفاع در مقابل ادعای خواهان را بدهد. برخورداری خواننده از فرصت دفاع به اندازه‌ای اهمیت دارد که یکی از اصول مهم دادرسی عادلانه محسوب می‌شود (شمس، ۱۳۹۱: ۱۳۲). منظور از حق دفاع در دادرسی مدنی این است که خواننده دعوا بدون اینکه از اظهارات مدعی مطلع شده باشد و بدون اینکه به ادعای او پاسخ گفته باشد یا فرصت پاسخگویی داشته باشد، محکوم نشود. از این اصل گاهی بعنوان «ترافعی بودن دادرسی» و گاهی بعنوان «تناظر» یاد می‌شود و در هر حال مضمون آن این است که خواننده دعوا باید فرصت پاسخ گفتن به ادعای خواهان را داشته باشد (صدرزاده افشار، ۱۳۹۶: ۱۷۹).

۱۱۵ مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی نسبت به دعوا رسیدگی شده و حکم صادر شده باشد، با موازین قانونی انطباقی ندارد؛ چراکه اصل استحقاق خواهان بر دریافت خسارت تأخیر تأدیه و میزان آن باید در دادگاه رسیدگی شده و مورد حکم دادگاه قرار گیرد. با وجود این، در عمل دادگاه‌ها میزان خسارت تأخیر تأدیه را بطور دقیق معین نمی‌کنند و محاسبه آن را به اجرای احکام واگذار می‌کنند. دلیل این شیوه عمل این است که تأخیر تأدیه باید تا روز پرداخت وجه محاسبه شود، ولی زمان اجرای حکم معمولاً مدت زمانی پس از روز صدور رأی دادگاه است؛ در نتیجه دادگاه نمی‌تواند میزان دقیق خسارت تأخیر تأدیه را مشخص کند و محاسبه دقیق آن را در روز اجرای حکم، به اجرای احکام واگذار می‌کند. این رویه دادگاه‌ها ممکن است برخلاف اصل ترافعی بودن دادرسی تلقی شود، ولی به نظر می‌رسد رویه موجود اشکالی ندارد؛ چون دادگاه اصل استحقاق خواهان برای دریافت خسارت تأخیر تأدیه را احراز کرده و خواننده را به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه محکوم نموده است. تنها چیزی که به اجرای احکام واگذار می‌شود، محاسبه مبلغ ریالی خسارت قابل پرداخت است که باتوجه به تصریح به آن در حکم، اشکالی ندارد.

۳-۴- پرداخت خسارت تأخیر تأدیه پیش از صدور حکم قطعی

مطابق ماده (۱۲) قانون صدور چک «هرگاه قبل از صدور حکم قطعی ... متهم وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور (از تاریخ ارائه چک

به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد... «ظاهر این ماده قانونی نشان می‌دهد که هرگاه صادر کننده چک بخواهد مانع ادامه دادرسی کیفری شود، یا باید رضایت شاکی خصوصی را جلب کند و یا اینکه اصل وجه را به همراه خسارت تأخیر تأدیه پرداخت کند. سؤالی که در ارتباط با این قسمت از ماده (۱۲) قانون صدور چک پیش می‌آید این است که آیا در هر حال صدور قرار موقوفی تعقیب منوط به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به همراه اصل وجه چک است یا اینکه پرداخت خسارت تأخیر تأدیه، زمانی ضرورت دارد که دارنده چک خسارت تأخیر تأدیه را با تقدیم دادخواست مطالبه کرده باشد؟ این سؤال را به شکل دیگر نیز می‌توان طرح کرد: در فرضی که دارنده چک خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه نکرده است، آیا مرجع رسیدگی کننده می‌تواند به دلیل عدم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه و با وجود پرداخت اصل وجه چک از صدور قرار موقوفی تعقیب خودداری کند و به رسیدگی ادامه دهد؟ در این قسمت به پاسخ سؤال‌های فوق در مراحل مختلف دادرسی می‌پردازیم.

۳-۴-۱- تحقیقات مقدماتی

در تاریخ ۱۳۸۱/۰۷/۲۸ با اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و احیای دادرسی‌های عمومی و انقلاب، تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم، به جزء در مواردی که قانون استثنا کرده است، باید در دادسرا انجام شود. تحقیقات مقدماتی جرم چک بلامحل نیز همانند بیشتر جرایم در دادسرا انجام می‌شود. بنابراین، ممکن است در زمانی که بازپرس یا دادستان یا دادیار به جانشینی از دادستان مشغول تحقیقات مقدماتی در مورد جرم صدور چک بلامحل هستند، صادر کننده چک اصل وجه چک را پرداخت کند یا موجبات پرداخت آن را فراهم کند و یا وجه چک را در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع کند. در چنین فرضی، با پرداخت اصل وجه چک، بازپرس یا دادستان باید چه تصمیمی بگیرد؟ آیا باید قرار موقوفی تعقیب صادر کند یا تا زمان پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به تحقیقات خود ادامه دهد؟ گفته شد که خسارت تأخیر تأدیه حق مالی است که دارنده چک می‌تواند آن را مطالبه کند و تا زمانی که ذیحق مطالبه نکرده است، امکان رسیدگی به آن یا امکان الزام صادر کننده به پرداخت آن وجود ندارد. اگر بازپرس یا دادستان به دلیل عدم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به تحقیقات مقدماتی ادامه دهند، به واقع صادر کننده چک را به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه ملزم کرده‌اند، بدون اینکه چنین اختیاری داشته باشند و اگر گفته شود، با پرداخت اصل وجه چک باید تحقیقات مقدماتی را متوقف کرده و قرار موقوفی تعقیب صادر کنند، با ظاهر ماده (۱۲) قانون صدور چک چه باید کرد؟ پاسخ برای پرسش‌های فوق با این دشواری روبرو است که از یکطرف مطالبه خسارت تأخیر تأدیه منشأ اثر مهمی است و بدون مطالبه آن از سوی دارنده، دادستان و بازپرس نمی‌توانند صادر کننده را به پرداخت آن ملزم کنند و از سوی دیگر، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه اصولاً در دادسرا امکانپذیر نیست. دارنده چک هرچند با شکایت کیفری، تعقیب صادر کننده چک بلامحل و مجازات او را خواستار می‌شود و چه بسا

در همان شکوائیه وجه چک و خسارات ناشی از عدم پرداخت آن را مطالبه می‌کند، ولی این شکل از مطالبه برای مطالبه وجه چک و خسارت‌های دیگر کافی نیست.

نه تنها خسارت تأخیر تأدیه، بلکه وجه چک نیز باید با تقدیم دادخواست و به تبع دعوی کیفری مطالبه شوند، اما مسأله این است که در تحقیقات مقدماتی، تقدیم دادخواست و مطالبه آنها شدنی نیست و این عدم امکان، نه به دلیل پیش‌بینی نشدن سازوکار تقدیم دادخواست در دادسرا، بلکه به این دلیل است که طرح دعوی خصوصی به تبع دعوی کیفری پس از طرح دعوی عمومی امکانپذیر است و تا زمانی که کیفرخواست از سوی دادستان صادر نشده، دعوی کیفری اقامه نشده است تا در سایه آن دعوی خصوصی نیز قابل اقامه باشد (خزائی، ۱۳۷۲: ۱۲). به هر حال در این مسأله، به ظاهر، ماده (۱۲) قانون صدور چک، بویژه با آوردن عبارت «مرجع رسیدگی» قضات دادسرا را وادار می‌کند پس از پرداخت اصل وجه چک توسط صادر کننده، تا زمان پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به تحقیقات ادامه دهند و قرار موقوفی تعقیب صادر نکنند، اما این ظهور اعتبار چندانی ندارد، زیرا، ادامه تحقیقات مقدماتی پس از پرداخت وجه چک، به دلیل عدم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه، الزام غیرمستقیم صادر کننده چک به پرداخت اینگونه از خسارت است؛ بدون اینکه صاحب حق آن را مطالبه کرده باشد. لازمه پذیرفتن چنین نتیجه‌ای، پذیرفتن اختیار قضات دادسرا برای مطالبه حقوق

خصوصی دارنده چک بدون نیاز به درخواست خود اوست؛ امری که ماده (۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی بعنوان یک اصل مهم در حقوق خصوصی مغایر است. بنابراین، با در نظر گرفتن ماهیت مدنی خسارت تأخیر تأدیه و لزوم مطالبه آن از سوی دارنده چک، با پرداخت اصل وجه چک در مرحله تحقیقات مقدماتی، باید قرار موقوفی تعقیب صادر شود و دادستان یا بازپرس نمی‌تواند به دلیل عدم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به تحقیقات مقدماتی ادامه دهد. بدون تردید دارنده چک می‌تواند با اقامه دعوی حقوقی، خسارت تأخیر تأدیه و دیگر خسارت‌های ناشی از عدم پرداخت وجه چک را مطالبه کند.

۳-۴-۲- مرحله بدوی

با صدور کیفرخواست از سوی دادستان، دعوی کیفری در دادگاه عمومی کیفری اقامه می‌شود و دادگاه تکلیف به رسیدگی پیدا می‌کند. پس از طرح دعوی عمومی در دادگاه کیفری، دارنده چک نیز این حق را پیدا می‌کند که به تبع آن دعوی خود را اقامه کرده و وجه چک و خسارت‌های ناشی از عدم پرداخت آن، از جمله خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کند. طبق ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۱ شاکای خصوصی تا جلسه نخست دادرسی باید دادخواست خود را به دادگاه کیفری تقدیم می‌کرد و در غیر این صورت نمی‌توانست دعوی خود را به تبع امر کیفری اقامه کند و ناچار بود دعوی خصوصی را در دادگاه حقوقی اقامه کند. مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸

شاکی خصوصی مجبور نیست دادخواست خود را نخستین جلسه دادرسی در دادگاه کیفری مطرح کند، بلکه براساس ماده (۱۱) می‌تواند تا پیش از ختم دادرسی، دعوای خود را اقامه کند. بر این اساس، دارندة چک اگر بخواهد وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه و دیگر خسارت‌ها را از صادر کننده مطالبه کند، باید تا پیش از اعلام ختم دادرسی، دادخواست خود را به دادگاه عمومی کیفری تقدیم نماید. صادر کننده چک می‌تواند از امتیازی که قانونگذار در ماده (۱۲) قانون صدور چک به او داده استفاده کرده و با پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه، موجب موقوف شدن دادرسی کیفری شود. قانونگذار خواسته است با وضع ماده (۱۲)، متهمان به صدور چک بلامحل را تشویق کند تا وجه چک و خسارت‌های ناشی از عدم پرداخت آن را به تمایل خود بپردازند و در مقابل از تحمل مجازات حبس معاف شوند. مطابق ظاهر این ماده متهم در هر حال باید اصل وجه چک را به همراه خسارت تأخیر تأدیه پرداخت کند تا دادگاه قرار موقوفی تعقیب صادر نماید و پرداخت اصل وجه چک بدون پرداخت خسارت تأخیر تأدیه، سببی برای صدور قرار موقوفی تعقیب نیست؛ خواه شاکی خصوصی خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کرده باشد و خواه مطالبه نکرده باشد. استدلالی که در تأیید این دیدگاه می‌شود، نص مطلق ماده (۱۲) است، غافل از اینکه، اطلاق ماده (۱۲) قانون صدور چک با وجود اصلی که در ماده (۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی؛ یعنی اصل ضرورت مطالبه حق، مقید شده است و بر این اساس باید پذیرفت که حکم ماده (۱۲) منصرف به حالتی است که شاکی خصوصی خسارت تأخیر تأدیه را به همراه اصل چک و با تقدیم دادخواست مطالبه می‌کند.

۱۱۸

نتیجه اینکه، هرگاه شاکی خصوصی خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه نکرده باشد و از سوی دیگر متهم در اثنای دادرسی وجه چک را پرداخت کند یا موجبات پرداخت آن را فراهم کند، دادگاه کیفری باید قرار موقوفی تعقیب صادر کند و نمی‌تواند به دلیل پرداخت نشدن خسارت تأخیر تأدیه به دادرسی ادامه دهد. هرگاه شاکی خصوصی با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، به تبع دعوای کیفری وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کند، در این صورت متهم باید اصل وجه چک به همراه خسارت تأخیر تأدیه را پرداخت کند تا دادگاه قرار موقوفی تعقیب صادر نماید اداره حقوقی قوه قضاییه در برخی از نظرات مشورتی خود دیدگاهی را تأیید کرده است که مطالبه یا عدم مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از سوی شاکی خصوصی را مؤثر در مقام نمی‌داند و در هر حال شرط صدور قرار موقوفی تعقیب را پرداخت اصل وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه می‌داند (محمدی، ۱۳۹۶: ۴۹).

بنابراین در فرض پرسش در صورتی که متهم فقط وجه چک را بدون محاسبه خسارات تأخیر تأدیه پرداخت کرده باشد، موجبی برای صدور قرار موقوفی تعقیب وجود ندارد. ثانیاً مستفاد از مقررات ماده مذکور و قانون چک برای احتساب خسارت تأخیر تأدیه موضوع آن قانون و تأدیه آن جهت صدور قرار موقوفی تعقیب، طرح دعوای حقوقی ضرورتی ندارد. این دیدگاه اداره حقوقی، با ماده (۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی

و انقلاب در امور مدنی و آرای وحدت رویه شماره ۵۸۲ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۰۲ و ۵۷۷ مورخ ۱۳۷۱/۰۷/۲۱ مخالف است. همچنین با برخی از نظریه‌های دیگر همان اداره مغایرت دارد (ساسان‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۳۹).

۳-۴-۳- مرحله تجدیدنظر

براساس ماده (۱۲) قانون صدور چک، تا زمانی که حکم صادر شده از دادگاه کیفری قطعی نشده است صادر کننده می‌تواند وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را پرداخت کند. لذا، این امکان وجود دارد که صادر کننده در هنگام رسیدگی دادگاه تجدیدنظر به اعتراض وارد شده به رأی دادگاه بدوی، وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را پرداخت کند. در چنین حالتی نیز بدیهی است که دادگاه تجدیدنظر با نقض رأی دادگاه بدوی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد، اما بنابر آنچه در بندهای پیشین گفته شد، در صورتی که شاکی خصوصی در دادگاه بدوی اقامه دعوا نکرده و خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه نکرده باشد، دادگاه تجدیدنظر باید تنها با پرداخت وجه چک رسیدگی را موقوف کند، اما در صورتی که شاکی خصوصی در دادگاه بدوی تبع دعوای کیفری اقامه دعوا کرده باشد، در آن صورت تا زمانی که خسارت تأخیر تأدیه پرداخت نشده است، صدور قرار موقوفی تعقیب ممکن نیست. نکته‌ای که باید در اینجا تأکید شود این است که، اگر شاکی خصوصی در دادگاه بدوی وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه نکرده باشد، نمی‌تواند آنها را مستقیماً از دادگاه تجدیدنظر مطالبه کند؛ چون افزون بر اینکه در ماده (۱۱) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری شاکی خصوصی باید دادخواست خود را پیش از اعلام ختم دادرسی به دادگاه تقدیم کند، براساس ماده (۷) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به ماهیت هیچ دعوایی نمی‌توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود تا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون. موارد استثناء در ماده (۳۶۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی آمده‌اند که شامل وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه نمی‌شوند.

۱۱۹

۳-۵- پرداخت خسارت تأخیر تأدیه پس از صدور حکم قطعی

در قسمت دوم ماده (۱۲) قانون صدور چک آمده است: «هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا اینکه محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد». مطابق این مقرر قانونی، محکوم علیه پس از صدور حکم قطعی، اعم از اینکه اجرای حکم شروع شده باشد یا شروع نشده باشد، می‌تواند با پرداخت وجه چک و دیگر خسارات مندرج در حکم، مانع اجرای حکم

در مورد خود شود. لزوم پرداخت یک سوم جزای نقدی که در انتهای ماده آمده است، در حال حاضر منتفی است؛ چون در اصلاحات سال ۱۳۸۲ مجازات جزای نقدی از ماده (۷) قانون صدور چک حذف شده است و در نتیجه دادگاه نمی‌تواند متهم را افزون بر حبس، به جزای نقدی نیز محکوم کند (شهری، ۱۳۹۶: ۱۴۵۵). با حذف مجازات جزای نقدی از ماده کند در قسمت پایانی ماده (۱۲) نسخ شده است. در رابطه با پرداخت خسارت تأخیر تأدیه و اثر آن در موقوف شدن اجرای حکم قطعی، باید دو فرض را از هم تفکیک کرد: فرض نخست زمانی پیش می‌آید که در پی اقامه دعوی شاکی خصوصی به تبع از دعوی کیفری، دادگاه، صادر کننده چک را به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه محکوم می‌کند. در این فرض بنابر تصریح ماده (۱۲) قانون صدور چک، محکوم علیه باید وجه چک خسارت تأخیر تأدیه و دیگر خسارات مندرج در حکم را پرداخت کند تا اجرای حکم موقوف شود؛ در فرض دوم برخلاف فرض نخست، به دلیل عدم مطالبه از سوی شاکی خصوصی، محکومیت صادر کننده به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه در حکم دادگاه نمی‌آید. در این حالت نیز ممکن است محکوم علیه پیش از شروع به اجرای حکم یا در اثنای اجرای آن، وجه چک را به شاکی خصوصی پرداخت کند. با پرداخت وجه چک از سوی محکوم علیه، این سؤال مطرح می‌شود که آیا با پرداخت اصل وجه چک، اجرای حکم قطعی باید موقوف شود یا اینکه برای موقوف شدن اجرای حکم لازم است خسارت تأخیر تأدیه نیز پرداخت شود؟ در پاسخ به این پرسش دو دیدگاه می‌تواند مطرح شود که در رویه عملی شعب اجرای احکام کیفری دادسراها نیز مشاهده می‌شود، طبق دیدگاه نخست پرداخت اصل وجه چک در چنین فرضی موجب توقف اجرای حکم نمی‌شود و صادر کننده چک باید خسارت تأخیر تأدیه را نیز پرداخت کند، دیدگاه دوم بر آن است که، چون محکومیت صادر کننده چک در حکم دادگاه نیامده است، با پرداخت اصل وجه چک، اجرای حکم باید متوقف شود. نتیجه دیدگاه نخست، اجرای حکم و در نتیجه زندانی کردن صادر کننده چک (در صورت محکوم شدن به حبس) است، ولی دیدگاه دوم، توقف اجرای حکم و آزادی محکوم علیه زندانی را در پی دارد.

۱۲۰

۳-۵-۱- ضرورت پرداخت خسارت تأخیر تأدیه

همانطور که در بالا اشاره شد، دیدگاه نخست در رابطه با پرسش مطرح شده در بالا این است که حتی اگر صادر کننده، به دلیل عدم مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از سوی دارنده چک، به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از سوی دادگاه محکوم نشده باشد، افزون بر وجه چک باید خسارت تأخیر تأدیه تعلق گرفته به آن را پرداخت کند تا اجرای حکم موقوف شود. برخی از شعب اجرای احکام کیفری نیز با پیروی از این دیدگاه، با پرداخت اصل وجه چک، اجرای حکم را متوقف نمی‌کنند و در نتیجه اگر محکوم علیه در زندان باشد، تا زمان پرداخت خسارت تأخیر تأدیه او را در زندان نگه می‌دارند. عمده‌ترین دلیلی که برای صحت چنین دیدگاهی ابراز می‌شود، تصریح موجود در ماده (۱۲) است: «هرگاه پس از صدور حکم قطعی ... محکوم علیه به ترتیب فوق

موجبات پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می‌شود...». از این قسمت از ماده (۱۲) استنباط شده است که قانونگذار برای متوقف شدن اجرای حکم، پرداخت خسارت تأخیر تأدیه را، افزون بر اصل وجه چک، ضروری می‌داند؛ اعم از اینکه در حکم به محکومیت صادر کننده به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه تصریح شده باشد و چنین تصریحی به عمل نیاورده باشد. براساس این دیدگاه، عبارت «مندرج در حکم» که در متن ماده (۱۲) آمده است، فقط به «سایر خسارات» بر می‌گردد. بنابراین، اگر محکوم علیه خواهان توقف اجرای حکم باشد، باید اصل وجه چک و هم خسارت تأخیر تأدیه را پرداخت کند. دلیل دیگر طرفداران این دیدگاه، استناد به قیاس اولویت است؛ به این صورت که وقتی قانونگذار پیش از صدور حکم قطعی برای موقوف شدن دادرسی کیفری، پرداخت خسارت تأخیر تأدیه را ضروری می‌داند، به طریق اولی پس از صدور حکم قطعی نیز باید پرداخت خسارت تأخیر تأدیه را ضروری می‌داند، به طریق اولی پس از صدور حکم قطعی نیز باید پرداخت خسارت تأخیر تأدیه را برای موقوف شدن اجرای حکم ضروری بداند. افزون بر موارد فوق، از برخی نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه صحت این دیدگاه استنباط شده است.

۳-۵-۲- عدم ضرورت پرداخت خسارت تأخیر تأدیه

دیدگاه فوق به‌رغم اینکه ظاهراً برخی از نظرات مشورتی اداره حقوقی نیز آن را تأیید کرده‌اند، منطبق با موازین قانونی به نظر نمی‌رسد و با پذیرفتن آن، برخی از قواعد مهم حقوقی نادیده گرفته می‌شوند. در مقابل دیدگاه فوق، دیدگاه دیگری را می‌توان ارائه کرد که براساس آن زمانی که محکومیت صادر کننده چک به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه در رأی دادگاه نیامده است، پرداخت اصل وجه چک برای موقوف شدن اجرای حکم، کافی است و نیازی به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه وجود ندارد. بعبارت دیگر، دادگاه یا اجرای احکام کیفری نمی‌تواند در چنین فرضی به دلیل پرداخت نشدن خسارت تأخیر تأدیه، دستور به اجرای حکم یا ادامه آن دهد و باید با پرداخت وجه چک از سوی محکوم علیه یا فراهم شدن موجبات پرداخت آن، اجرای حکم را موقوف کند. اینکه در رویه جاری، برخی از قضات به دیدگاه نخست عمل می‌کنند و اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظرات مشورتی خود آن را تأیید کرده است، اما باید گفت دیدگاه دوم، یعنی عدم ضرورت پرداخت خسارت تأخیر تأدیه درست‌تر است. دلایل صحت چنین دیدگاهی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: الف) تصریح قانونی در بند نخست اشاره شد که برای توجیه لزوم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه در فرض سؤال، به ظاهر ماده (۱۲) قانون صدور چک استناد می‌شود، در حالیکه ظاهراً در قسمت دوم این ماده حکمی در لزوم پرداخت خسارت تأدیه دیده نمی‌شود، بلکه به عکس به نظر می‌رسد قانونگذار پرداخت خسارت تأخیر تأدیه را تنها در صورتی ضروری می‌داند که صادر کننده چک به پرداخت آن محکوم شده باشد. در قسمت

دوم از ماده قانونی مذکور آمده است «هرگاه پس از صدور حکم قطعی ... محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می‌شود ...». قانونگذار با آوردن عبارت «مندرج در حکم» درصدد بیان این حکم است که محکوم علیه زمانی باید خسارت تأخیر تأدیه را پرداخت کند که دادگاه او را به پرداخت آن محکوم کرده باشد. هرگز نمی‌توان استدلال کرد که عبارت «مندرج در حکم» تنها به سایر خسارات معطوف می‌شود و ارتباطی به خسارت تأخیر تأدیه ندارد؛ چراکه از نظر ماهیت، خسارت تأخیر تأدیه با دیگر خسارت‌های ناشی از صدور چک بلامحل تفاوتی ندارد و همه آنها زیان ناشی از جرم هستند. استناد به قیاس اولویت هم در این زمینه کارساز نیست؛ استدلال به قیاس اولویت بر این مبنا است که چون قانونگذار پیش از صدور حکم قطعی برای موقوف شدن تعقیب کیفری پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از سوی صادر کننده چک را ضروری می‌داند، به طریق اولی پس از صدور حکم قطعی برای توقف اجرای حکم باید خسارت تأخیر تأدیه پرداخت شود، اما همانطور که در استدلال شد، حتی پیش از صدور حکم قطعی نیز در صورت مطالبه نشدن خسارت تأخیر تأدیه از سوی دارنده چک نمی‌توان موقوف شدن تعقیب را منوط به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه کرد. لازم به ذکر است که نظرات مشورتی اداره حقوقی جدا از مشورتی بودن آنها، نمی‌تواند بعنوان توجیه دیدگاه نخست مورد استناد قرار گیرند؛ چون در بیشتر این نظرات تنها به ظاهر ماده (۱۲) قانون صدور چک توجه شده و گفته نشده است که بدون مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از سوی دارنده چک، می‌توان خسارت تأخیر تأدیه را از صادر کننده چک وصول کرد، بلکه به عکس در یکی از نظرات اداره مذکور بر لزوم مطالبه خسارت تأخیر تأدیه بوسیله دادخواست تأکید و اعلام شده است «در صورتی که دارنده چک ضمن دعوی کیفری با تقدیم دادخواست خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه نکرده باشد، باید در مراجع حقوقی اقامه دعوا کند» (ساسان- نژاد، ۱۳۹۸: ۱۶۴). ب) ماهیت خسارت تأخیر تأدیه افزون بر ظاهر ماده (۱۲) قانون صدور چک، ماهیت خسارت تأخیر تأدیه نیز ایجاب می‌کند که بدون وجود حکم دادگاه مبنی بر محکومیت صادر کننده چک به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه، بتوان او را، بطور مستقیم یا غیرمستقیم، وادار به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه کرد. خسارت تأخیر تأدیه، زیان ناشی از جرم است و زیان ناشی از جرم نیز ماهیت مدنی دارد که زیان دیده باید با تقدیم دادخواست آن را مطالبه کند. افزون بر قاعده مقرر در ماده (۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون صدور چک مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز تصریح دارد دارنده چک می‌تواند خسارت‌های ناشی از صدور چک را مطالبه کند و هرگز بدون مطالبه ذینفع، صادر کننده را مکلف به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه نمی‌کند. بنابراین، بدون مطالبه خسارت از سوی زیان دیده، هیچ مرجعی نمی‌تواند به موضوع خسارت تأخیر تأدیه رسیدگی کند و صادر کننده را محکوم به پرداخت آن کند و البته بدیهی است که بدون وجود رأی دادگاه مبنی بر محکومیت صادر کننده

به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه، نمی‌توان او را ملزم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه کرد، در حالیکه ادامه اجرای حکم پس از پرداخت اصل وجه چک به دلیل پرداخت نشدن خسارت تأخیر تأدیه، اجبار غیرمستقیم صادر کننده چک به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه است؛ امری که به نظر می‌رسد منطبق با موازین قانونی نباشد.

ج) لزوم رعایت قواعد آمره دادرسی مدنی ماهیت مدنی خسارت تأخیر تأدیه، رعایت مقررات آیین دادرسی مدنی را در خصوص آن الزامی می‌کند. بر این اساس دارنده چک باید خسارت تأخیر تأدیه را از صادر کننده به همراه اصل وجه چک مطالبه کند. برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه لازم است که دادخواست به مرجع صالح تقدیم شود. طبق ماده (۴۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، شروع به رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد. در واقع با تقدیم دادخواست است که دادگاه حق و تکلیف رسیدگی به موضوع را پیدا می‌کند. در مورد خسارت تأخیر تأدیه، همانطور که اشاره شد، دارنده چک می‌تواند دادخواست مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را به همراه مطالبه اصل وجه چک در دادگاه کیفری به تبع دعوی کیفری مطرح کند که در این صورت نیز طبق ماده (۱۱) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مکلف است طبق مقررات آیین دادرسی مدنی تقدیم دادخواست کند. برای تقدیم دادخواست طبیعی است که دارنده چک باید براساس مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و قانون وصول برخی ۱۲۳ از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، هزینه دادرسی را پرداخت کند. افزون بر آن، تمامی اصول و تشریفات که رعایت آنها در دادرسی مدنی الزامی است، برای رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت تأخیر تأدیه همانند رعایت اصل ترافعی بودن دادرسی باید از سوی مرجع رسیدگی کننده رعایت شود. در واقع با اجبار غیرمستقیم صادر کننده چک به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه، اصل ضروری بودن مطالبه حق، ضرورت تقدیم دادخواست و رعایت شرایط شکلی آن، لزوم پرداخت هزینه دادرسی و رسیدگی ترافعی به موضوع از سوی مرجع مجری حکم کیفری نادیده گرفته می‌شود؛ در حالیکه از مراجع قضایی انتظار رعایت اصول دادرسی و تفسیر هماهنگ مقررات قانونی گوناگون بیشتر است.

نتیجه‌گیری

در یک نگاه کلی خسارت تأخیر تأدیه در چک تفاوت چندانی با خسارت تأخیر تأدیه بطور کلی ندارد، بنابراین از همان اصولی پیروی می‌کند که خسارت تأخیر تأدیه بعنوان یک امر مدنی تابع آن است. زیرا خسارت تأخیر تأدیه ذاتاً امری مدنی است. طلبکاری که بخواهد خسارت تأخیر تأدیه متعلق به طلب را از بدهکار مطالبه کند، لازم است در مراجع حقوقی طرح دعوا کرده و خسارت تأخیر تأدیه را همراه با اصل طلب یا بطور مستقل

مطالبه نماید. خسارت تأخیر تأدیه چک نیز هرچند زیان ناشی از جرم صدور چک بلامحل است، ولی به این سبب ماهیت آن تغییر نمی‌کند. ولی آنچه مشخص شد این است که مسئولیت مدنی تأخیر در تأدیه وجه چک تا حدی متفاوت از خسارت ناشی از تأخیر در تأدیه به نظر می‌رسد. دارنده چک هرچند با شکایت کیفری، تعقیب صادرکننده چک بلامحل و مجازات او را خواستار می‌شود و چه بسا در همان شکوائیه وجه چک و خسارات ناشی از عدم پرداخت آن را مطالبه می‌کند، ولی این شکل از مطالبه برای مطالبه وجه چک و خسارت‌های دیگر کافی نیست. نه تنها خسارت تأخیر تأدیه، بلکه وجه چک نیز باید با تقدیم دادخواست و به تبع دعوی کیفری مطالبه شوند، اما مسأله این است که در تحقیقات مقدماتی، تقدیم دادخواست و مطالبه آنها شدنی نیست و این عدم امکان، نه به دلیل پیش‌بینی نشدن سازوکار تقدیم دادخواست در دادسرا، بلکه به این دلیل است که طرح دعوی خصوصی به تبع دعوی کیفری پس از طرح دعوی عمومی امکان‌پذیر است. مواردی این چنینی باعث ایجاد رویه‌های متغیر در خصوص مسئولیت ناشی از تأخیر در تأدیه وجه چک می‌گردد که بایستی در این نواقص مرتفع گردد. قانونگذار در ماده (۱۲) قانون صدور چک، به صادرکننده چک این امتیاز را داده است که پیش و پس از صدور حکم قطعی، با پرداخت اصل وجه چک و خسارت‌های ناشی از عدم پرداخت آن، از جمله خسارت تأخیر تأدیه، موجبات توقف دادرسی یا توقیف اجرای حکم را فراهم کند. بر این اساس در صورتی که صادرکننده چک، اصل وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را به دارنده پرداخت کند، پیش از صدور حکم قطعی قرار موقوفی تعقیب و پس از صدور حکم قطعی قرار موقوفی اجرا صادر خواهد شد. ظاهر ماده (۱۲) قانون صدور چک این تصور را ایجاد کرده است که صادرکننده چک در هر حال باید خسارت تأخیر تأدیه را به همراه اصل وجه چک پرداخت کند تا دادرسی با اجرای حکم، حسب مورد، موقوف شود، اما این تفسیر از ماده (۱۲) سبب می‌شود که ماهیت مدنی خسارت تأخیر تأدیه و ضرورت مطالبه آن مورد بی‌توجهی قرار گیرد. خسارت تأخیر تأدیه در واقع زیان ناشی از جرم صدور چک بلامحل و یک حق مالی برای دارنده چک است. براساس قاعده کلی ضرورت مطالبه حق در امور مدنی که در ماده (۲) قانون آئین دادرسی مدنی آمده است، بدون مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از سوی ذی‌حق نمی‌توان صادرکننده چک را به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه محکوم کرد یا به هر ترتیب آن را از صادرکننده چک به نفع دارنده وصول کرد. بنابراین، اگر دارنده چک به تبع دعوی کیفری، اصل وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را با تقدیم دادخواست به مرجع کیفری مطالبه کرده باشد، پیش از صدور حکم قطعی، صادرکننده چک باید هم وجه چک و هم خسارت تأخیر تأدیه را پرداخت کند تا دادرسی موقوف شود و در صورت عدم مطالبه، با پرداخت اصل وجه چک از سوی صادرکننده دادرسی موقوف خواهد شد. همچنین پس از صدور حکم قطعی اگر صادرکننده، اصل وجه چک را پرداخت کند، تنها در صورتی اجرای حکم به دلیل عدم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه ادامه پیدا می‌کند که دارنده چک، خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کرده و دادگاه، صادرکننده را به

پرداخت آن محکوم کرده باشد. در غیر اینصورت با پرداخت اصل وجه چک، مرجع مجری حکم باید اجرای حکم را متوقف کند. البته دارنده چک می‌تواند خسارت تأخیر تأدیه و دیگر خسارت‌های ناشی از عدم پرداخت چک را از مراجع حقوقی مطالبه کند. در خصوص خسارات تأخیر تأدیه چک تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون صدور چک مقرر کرده است که دارنده چک می‌تواند محکومیت صادر کننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و بطور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا کند. در صورتی که تأخیر تأدیه چک باعث جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادر کننده حکم تقدیم کند. «در این زمینه باید به قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز توجه شود. در این مورد از مجمع تشخیص مصلحت نظام پرسیده شده است که آیا مراد از خسارات و هزینه‌های مقرر در تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از تأخیر تأدیه چک مصوب سال ۱۳۷۶، کلیه خسارات و هزینه‌های لازم از قبیل هزینه دادرسی، حق الوکاله، ضمان ناشی از تسبیب، خسارات تأخیر در تأدیه دین و امثال آن است؟ در این صورت مبنای محاسبه خسارت، مقررات بانکی بوده یا مبنای آن عرف است که قاضی به استناد نظریه کارشناسی یا سایر طرق نسبت به اعلام خسارات اقدام می‌کند؟ مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در ۱۲۵ پاسخ به این پرسش عنوان کرده است که منظور از عبارت «کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده ...» مذکور در تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارت تأخیر در تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله براساس تعرفه‌های قانونی است. گفتنی است در خصوص خسارت تأخیر در تأدیه دین، قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ اعلام کرده است که خسارت تأخیر در تأدیه دین در موارد قانونی قابل مطالبه است. طبق قانون اخیر در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت کند، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود، محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد، مگر اینکه طرفین بنحو دیگری مصالحه کنند. همانطور که ملاحظه می‌شود، قانون آئین دادرسی مدنی مبدأ خسارت فوق را از زمان سررسید پرداخت وجه قرار داده است. این در حالی است که ماده (۳۲۴) قانون تجارت، مبدأ محاسبه خسارت تأخیر در تأدیه دین را از روز اعتراض و واخواست سند تجاری در دفتر دادگاه در نظر گرفته است.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آخوندی، محمود (۱۳۹۶)، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۷)، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، تهران: انتشارات سمت.
- ۳- امامی، سیدحسن (۱۳۹۵)، حقوق مدنی، ج ۱، تهران: کتاب فروشی اسلامیه.
- ۴- حسینی تهرانی، مرتضی (۱۳۹۴)، «چک و مقررات حقوقی آن»، فصلنامه حق.
- ۵- حق پناهیان، عباس (۱۳۹۸)، بررسی و تحلیل حقوق کیفری چک و اهم ابعاد حقوقی آن، تهران: انتشارات خرسندی.
- ۶- خزانی، منوچهر (۱۳۷۲)، «اعتبار امر مختوم در دعوی کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۲.
- ۷- رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۵)، کندوکاوها و پنداشته‌ها، ج ۷، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۸- ساسان‌نژاد، امیرهوشنگ (۱۳۹۸)، مجموعه کامل قوانین و مقررات چک، تهران: انتشارات فردوسی.
- ۹- شمس، عبدالله (۱۳۹۱)، آئین دادرسی مدنی، ج ۲، تهران: نشر میزان.
- ۱۰- شهری، غلامرضا (۱۳۹۶)، «مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری»، روزنامه رسمی.
- ۱۱- شهیدی، مهدی (۱۳۹۲)، آثار قراردادهای و تعهدات، تهران: انتشارات مجد.
- ۱۲- صدرزاده افشار، سیدمحسن (۱۳۹۶)، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۳- صفائی (۱۳۸۹)، «عدم اجرای تعهد و آثار آن»، نشریه موسسه عالی حسابداری.
- ۱۴- صفری، محمد (۱۳۹۷)، حقوق بازرگانی، ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۵- عرفانی، محمود (۱۳۹۲)، حقوق تجارت، ج ۳، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۶- عمید، حسن (۱۳۹۳)، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۷- فراهانی، محمدحسین (۱۳۹۱)، راهنمای طرح دعاوی چک (کیفری و حقوقی)، تهران: نشر دادگستر.
- ۱۸- قربانی، فرجاله (۱۳۹۲)، مجموعه آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور: جزایی، تهران: انتشارات فردوسی.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، قواعد عمومی قراردادهای، ج ۵، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۰- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۱)، حقوق جزای اختصاصی، ج ۶، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۱- محمدی، محمدرضا (۱۳۹۶)، «پرداخت خسارت تأخیر تأدیه چک و تأثیر آن در دعوی کیفری چک پرداخت نشدنی»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۸.
- ۲۲- معین، محمد (۱۳۹۲)، فرهنگ فارسی، ج ۱، ج ۲۴، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۲۳- منصور، جهانگیر (۱۳۹۸)، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوقی، ج ۱، تهران: انتشارات دیدار.

- ۲۴- موسویان، ابراهیم (۱۳۹۴)، «بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جرمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران»، مجله فقه و حقوق، ش ۴. ۲۵- ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۱)، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اموال)، ج ۷، تهران: نشر امیر کبیر.
- ۲۶- هدایت‌نیا، فرج‌اله (۱۳۹۳)، خسارت تأخیر تأدیه، آسیب‌شناسی فقهی قوانین، ج ۱، قم: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه.

لاتین:

27- Didier, Paul (2009). Droit Commercial, t.2 Presses Universitaires de France (PUF).

